

بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی آموزش در دانشکده‌های معماری ایران

بهاره مختاری^۱، محمدرضا پورزرگر^۲، سید عطاءالله طاهایی^۳

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، تبیین رویکرد آموزش دانشگاه‌های ایران به فرهنگ و ارتباط آن با کیفیت آموزش دروس پایه معماری در مقطع کارشناسی بود؛ زیرا مطالعه پیشینه پژوهش نشان داد موضوع فرهنگ در دانشگاه‌های ایران به ندرت مطرح شده است. اهمیت موضوع در این بود که دانشگاه‌ها تنها مراجع رسمی آموزش در ایران محسوب می‌شدند. **روش:** از آنجا که این پژوهش در دسته مطالعات کیفی و توصیفی قرار داشت، برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار کتابخانه، اینترنت، مصاحبه و مطالعات میدانی و نیز تحلیل محتوا به عنوان بهترین روش استفاده شد. در روند جمع‌آوری داده‌ها، مشخص شد این مصاحبه به شیوه مصاحبه گروهی و در چند مرحله، با سؤالات باز، متمرکز و مسئله‌محور اندیکاسیون داشت. **یافته‌ها:** آموزش باید در بستر مناسب و به صورت کار گروهی که از مصادیق رفتار فرهنگی است، انجام شود. در این پژوهش، جایگاه فرهنگ در دروس پایه معماری بررسی شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که دانشکده‌های معماری تعریفی برای فرهنگ آموزشی نداشتند. برای نخستین بار مفهوم جدیدی با عنوان «فرهنگ آموزش» معرفی شد که ویژگی‌های آن با استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه استخراج شد. **نتیجه‌گیری:** شیوه آموزش معماری از حالت سنتی به دانشگاهی تبدیل شد و از توجه به فرهنگ بومی و ارزشهای آن غافل ماند. این مطالعه نشان داد دانشجویان باید در یک نظام آموزشی با جوهر فرهنگی پرورش یابند که این امر تنها با ایجاد فرهنگ آموزش میسر می‌شود. در نهایت، پژوهش، مدلی از دانشگاه فرهنگ ساز را ارائه کرد.

واژگان کلیدی: آموزش معماری، دروس پایه معماری، محتوای آموزشی، آموزش فرهنگ، فرهنگ آموزش.

دریافت مقاله: ۰۰/۰۲/۱۸؛ تصویب نهایی: ۰۰/۰۵/۳۱

۱. دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران، ایران.

۲. دکتری تخصصی معماری و شهرسازی، استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران، ایران (نویسنده مسئول)/

نشانی: تهران، بزرگراه شهید اشرفی اصفهانی، بلوار همیلا، خیابان اورگ، مجتمع دانشگاهی آیت الله هاشمی رفسنجانی / شماره: ۲۲۴۸۱۷۱۶

Email: moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

۳. دکتری تخصصی معماری، استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران، ایران.

الف) مقدمه

آموزش فعالیتی برای یادگیری و یاددهی یک محتواست؛ بنابراین، یادگیرنده و یاددهنده، هر دو از پایه‌های اساسی این فعالیت‌اند که وجود یادگیرنده بسیار مهم است؛ زیرا بدون وجود این عامل، فعالیت آموزشی شکل نمی‌گیرد. اهمیت یاددهنده نیز انکارناپذیر است؛ زیرا طرز تفکر، میزان اطلاعات و تجربه و نحوه یاددهی وی روی یادگیرنده تأثیر بسزایی دارد. به اعتقاد ویتروویوس^۱ (۱۹۶۰)، معمار بایستی در تمامی عرصه‌های محیطی، موضوعات اجتماعی و فرهنگی، سنت‌های هنری و فنون ساخت‌وساز آموزش ببیند. به اعتقاد وی، تمرین کارهای دستی با مواد مورد نیاز طرح و توانایی توضیح تولیدات دستی، از اصول مهم ارتقا در یادگیری است. برخی محققان دلیل سیر نزولی معماری ایران را نقص آموزش در دانشکده‌های معماری می‌دانند (نمازیان و فارونی، ۱۳۹۲)؛ زیرا محصول معماری بایستی نمادی از فرهنگ جامعه باشد و تنها مرجع آموزش معماری در ایران، دانشگاه‌ها هستند. با این وجود، موضوع فرهنگ به ندرت در آن مطرح می‌شود. اظهارنظرهای پراکنده، تک‌گویی‌ها و رویکردهای بی‌مبنا که حاصل نبود نظریه‌ای محکم و قابل استناد است، دانشکده‌های معماری را با افت کیفی آموزش مواجه ساخته است؛ حال آنکه معماری جهان، بازتاب تداوم اندیشه‌های کلان‌نگر در نهاد خود است.

تاکنون پژوهشگران مطالعات بسیاری در زمینه فرهنگ، آموزش، معماری و آموزش معماری انجام داده‌اند و در هر مطالعه، یک جنبه از هر مفهوم بررسی شده است. این امر بیانگر اهمیت پرداختن به موضوع است و نشان می‌دهد هنوز زوایای پنهانی در زمینه ارتباط آموزش، معماری و فرهنگ وجود دارد که می‌توان آنها را آشکار کرد. با این وجود، مقاله‌ای که در خصوص اهمیت فرهنگ در محتوای دروس پایه، بحث و تحلیل و بررسی داشته باشد، یافت نشد. در زمینه فرهنگ، غریب‌پور و توتونچی مقدم (۱۳۹۵) در پژوهشی کامل، به ارزیابی برنامه‌های آموزش معماری دوره کارشناسی در ایران با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی پرداخته‌اند. بررسی دیدگاه محققان به واکاوی موضوعات و مفاهیم روز کمک می‌کند. انصاری (۱۳۹۵) به تفسیری از معماری معاصر و بررسی نحوه مواجهه معماری ایران با تفکر غرب پرداخته است. در این پژوهش می‌توان نحوه ورود تفکر مدرن، دوری از ارزشهای بومی و غرب‌گرایی به بهانه تجدیدطلبی بیان شده است که سبب بروز تغییراتی در سلیقه عام و فرهنگ نیز شد. یسار و همکاران (۲۰۱۴) تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی محیط‌های آموزش معماری را بررسی کرده‌اند. غنیم و اودا (۲۰۱۸) از واحدهای اختیاری در آموزش معماری سخن گفته‌اند این دو مقاله در این پژوهش استفاده نشدند؛ اما در شکل‌گیری برخی سؤالات مصاحبه تأثیرگذار بودند. معارف‌وند و همکاران (۱۳۹۷) به ارتباط آموزش معماری و فرهنگ پرداخته‌اند که به نوبه خود در شکل‌گیری موضوع پژوهش نقش داشته‌اند. از جمله

بهاره مختاری و همکاران ♦ ۵۰۷

منابعی که در زمینه آموزش معماری به صورت مشارکتی می‌توان بدان اشاره کرد، کتابی است که در آن گزارشی از برگزاری نمایشگاهی با همکاری دانشگاه هنر و معماری و موزه هنر مدرن شهر نیویورک ارائه شده است (سادک، ۱۹۷۱) که البته در تدوین مقاله نقشی نداشت؛ اما توجه نویسندگان را به اهمیت انجام همکاری دانشکده‌های معماری دنیا به خود جلب کرد. همچنین آتلیه طراحی ترکیبی، نظریه پکتاس (۲۰۱۲) است که با ایجاد بستر روحیه کار گروهی - که از نمودهای رفتارهای فرهنگی است - شیوه جدیدی از یک آموزش موفق را به شیوه ترکیبی و با استفاده از قابلیت‌های فضای مجازی برای برقراری ارتباط میان دانشجویان معماری دو دانشگاه کارولینای شرقی و دانشگاه بیلکنت ترکیه ارائه داده است. همچنین در بررسی مصاحبه‌ها و گفتگوهای انجام شده، رد پای وجود فرهنگ خاصی در دانشکده معماری مشاهده شد که هیچ مقاله‌ای به طور مستقیم بدان پرداخته است. فرهنگ آموزش، نخستین بار در این مقاله مطرح خواهد شد؛ البته پیش از این، پژوهشهایی درباره «فرهنگ آتلیه» انجام شده است که به رویکرد و مسئله محققان نیز نزدیک بود؛ مانند پژوهش اشکان (۲۰۱۶) که در راستای رساله دکتری وی در دانشگاه کانزاس انجام شد. در این پژوهش، وی به بررسی موضوع «فرهنگ آتلیه» پرداخته است.

آموزش دانشگاهی معماری در ایران، با تقلید از الگوی مدارس هنری فرانسه (بوزار) آغاز شد و با تأثیرپذیری از جریانهای فکری در کشورهای غربی، مخاطبان خود را به سمت ایجاد یک معماری برای همه برد و در نتیجه، عوامل مؤثر بر شکل دهی معماری منطقه‌ای که فرهنگ یکی از عوامل بارز آن بود، کنار گذاشته شد. بنابر این، دور از انتظار نبود که ایجاد فاصله میان آموزش معماری و بستر فرهنگی بیش از هر چیز در تغییر سیستم آموزشی از حالت سنتی به دانشگاهی رخ دهد. پس از انقلاب اسلامی، با وجود تلاشهای انجام شده در بازنگری برنامه آموزشی رشته معماری، دانشجویان در نظام آموزش دانشگاهی، معماری را تقریباً به دور از بستر فرهنگی آن می‌آموزند و تفاوتی میان معماری ایرانی و غیر ایرانی در این خصوص وجود ندارد. آموزش در دانشکده‌های معماری از ابتدای شکل‌گیری نظام دانشگاهی در ایران، بر مبنای سیستم‌های دانشگاهی خارج از کشور - ابتدا فرانسه و سپس ایتالیا - و بر اساس آموزه‌های مدرن شکل گرفت که در آن، احترام به حفظ سنتها و فرهنگ بومی ارزش خود را از دست داد و تقلید از غرب واجد ارزش شمرده شد. این تفکر اگرچه در آموزه‌های انقلاب اسلامی جایگاه خود را از دست داد، اما در معماری و آموزش آن - شاید به دلیل نداشتن جایگزین - باقی ماند. با وجود تلاش بسیار برای اصلاح روشهای پیشین و ارائه الگوهای آموزشی بومی و منطبق با فرهنگ کشور - و به تعبیر برخی ایرانی اسلامی - شد آنچه اکنون در نظام آموزشی ایران در جریان است؛ به طوری که عملاً با هدف اصلی منطبق نیست. بنابر این، لازم است فرهنگ، معماری و ارتباط این دو با یکدیگر و در نهایت، آموزش معماری و آموزش

۵۰۸ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...

فرهنگ در دانشکده‌های معماری بیشتر بررسی و مطالعه شود. تحمیل فرهنگ غرب و ارج نهادن به آن در اوایل پهلوی اول، ضربه‌های جبران‌ناپذیری به ساختارهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و هنری وارد کرد و از آنجا که معماری را می‌توان فرهنگ مصور و آینه تمام‌نمای شرایط هر دوره دانست، می‌توان ادعا کرد که آثار مخرب آن هجمه، معماری ایران را از فرهنگ دینی خود دور کرد؛ به گونه‌ای که این تأثیر همچنان بر معماری و حتی آموزش آن سایه افکنده است.

(ب) بیان مسئله



شکل ۱: بیان مسئله پژوهش، دغدغه، مشکلات ایجاد شده و ارائه راهکار

ایران کشوری است که از یک سو، پیشینه فرهنگی ارزشمندی دارد. از سوی دیگر، بازگشت به ریشه‌های فرهنگی نیز یکی از آرمانهای اصلی انقلاب اسلامی بوده و در نظام آموزش معماری امروز نیز نزد محققان و صاحب‌نظران از اهمیت بالایی برخوردار است. متأسفانه این اهمیت در حد نظریه باقی مانده و در عمل برنامه خاصی برای آن ارائه نشده است. جداول ۷، ۸ و ۹، ضرورت پرداختن به این مسئله را اثبات و عوامل مرتبط، وابسته یا مؤثر بر آن را تبیین خواهند کرد. این پژوهش به دنبال ارائه یک برنامه کاربردی در راستای به کارگیری فرهنگ در متن و محتوای آموزش معماری در دروس پایه است؛ زیرا آموزشهای ابتدایی مبتنی بر سواد بصری و تفکر معمارانه در دروس پایه معماری گنجانده شده است. بنابر این، اگر دانشجوی معماری در همان سالهای اولیه ورود به این عرصه، درک واضحی از نیازهای فرهنگی جامعه خود و چگونگی ارائه راه حلی معمارانه برای پاسخ به این نیاز نداشته باشد، معماری ایران از چرخه بی‌هویتی خود خارج نخواهد شد. متأسفانه اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع فرهنگ در نظام آموزش معماری در حد نظری باقی مانده و هیچ برنامه‌ای برای فرهنگ و فرهنگ‌سازی

بهاره مختاری و همکاران ♦ ۵۰۹

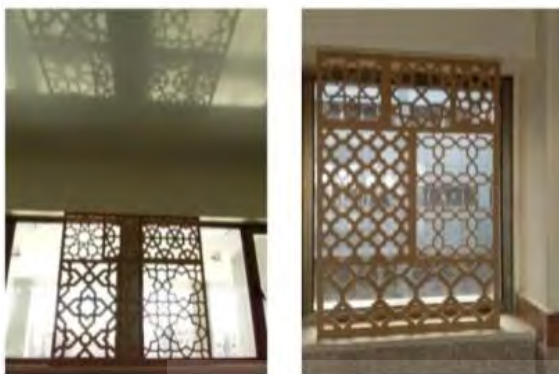
در دانشکده‌های معماری ایران تعریف نشده است. شکل ۱، مسئله این پژوهش را مشخص و آسیبها و مشکلات شناسایی شده از آن را تبیین می‌کند و راهکارهای ممکن را پیشنهاد می‌دهد. راهکار ارائه شده در بخش نتیجه‌گیری به صورت مفصل تشریح خواهد شد.

هدف در این پژوهش، تبیین رویکرد آموزش دانشگاه‌های ایران به فرهنگ و ارتباط آن با کیفیت دروس پایه معماری در مقطع کارشناسی است. بر مبنای این هدف و با بررسی جنبه‌های مختلف آموزش معماری، می‌توان روشی برای آموزش دانشجویان در چارچوب اصول فرهنگی یافت (ضرورت انجام پژوهش). بنابر این، ابتدا تعریفی از فرهنگ، معماری و آموزش آن ارائه می‌شود تا مفاهیم اصلی بحث مشخص شود. سپس با توجه به جایگاه فرهنگ در نظریه‌های موجود، جایگاه آن در آموزش معماری بررسی و تحلیل خواهد شد. پس از تحلیل این عوامل در قالب آسیب‌شناسی و با توجه به مفهوم «فرهنگ آموزش»، برای نخستین بار مدلی برای فرهنگ‌ساز بودن دانشگاه و آموزش فرهنگ ارائه خواهد شد. بر مبنای این مدل آموزشی، محتوای آموزشی در قالب محتوای فرهنگی (شناسایی نیازها و ارائه پاسخهای فرهنگ‌محور) صورت خواهد پذیرفت. سؤال اصلی پژوهش آن است که با توجه به جایگاه فرهنگ در نظام آموزش معماری، چه ارتباطی میان آموزش فرهنگ و کیفیت آموزش دروس پایه معماری وجود دارد؟

مفهوم «فرهنگ» در اروپا نخستین بار توسط یوهان گاتفرید هردر، در اواسط قرن هجده میلادی مطرح شد. وی مفهوم «فرهنگ» را که معتقد است همچون خون در رگهای زندگی مردم جاری است و با جریان انرژی معنایی، به جامعه انسجام می‌بخشد، در مقابل تمدن که عبارت است از رشته‌ای از روشها، قانون و فنون تکنیکی، قرار می‌دهد و معتقد است ملتها ممکن است تمدن خود را با سایر تمدنها به اشتراک بگذارند، اما همیشه در فرهنگ متمایز می‌شوند؛ زیرا فرهنگ است که هویت آنها را تعریف می‌کند (اسکروتون، ۲۰۱۲). ایگلتن (۲۰۱۶) چهار تعریف از این مفهوم ارائه کرده است: ۱. بدنه و کالبد یک اثر هنری و خردمندانه، ۲. روند تکامل روحانی و ذهنی، ۳. ارزشها، آداب، عقاید و رفتارهای نمادینی که در زندگی مردان و زنان وجود دارد، ۴. خط مشی کلی زندگی؛ که سه تعریف اول را نسبت به تعریف چهارم که کلی‌تر است، مناسب‌تر می‌داند. در حالی که وی به ابعاد حسی و هنری مفهوم فرهنگ پرداخته، اسکروتون (۲۰۱۲) هسته فرهنگهای رایج را مذهب معرفی کرده و بر این باور است که در کنار «فرهنگ متعالی» هر جامعه، «فرهنگ» رایجی وجود دارد که به اصطلاح، فرهنگ عام خوانده شده و این همان فرهنگ جوانان آن جامعه است که به نظر می‌رسد نسبت به فرهنگ متعالی آن جامعه رساتر است. جوانان دارای ظاهر، نوع پوشش، زبان و قلمرو خاص خود می‌باشند و وفاداری‌های فرهنگ سنتی را ندارند و این امر را می‌توان در رسانه‌ها و جهانی بودن آنها ریشه‌یابی کرد. اسلامی ندوشن (۱۳۹۵) نحوه تفکر جامعه بر

۵۱۰ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...

اساس عوامل ثابت و متغیر در طول زمان را گرایش تعریف می‌کند. بنابراین، گرایش مردم به عواملی بستگی دارد که در طول زمان سبب ایجاد نوعی تفکر در میان عامه مردم می‌شود. از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی و



شکل ۲: استفاده از نمودهای فرهنگی گذشته در فضای دانشکده

اقلیم هر منطقه نیز از عوامل مؤثری‌اند که تاریخ را ماهیت می‌بخشند؛ مانند غریب‌پور و توتونچی مقدم (۱۳۹۵) که سه مؤلفه جهان‌بینی، تاریخ و جغرافیا را در حوزه مؤلف فرهنگ تأثیرگذار بر معماری می‌دانند. با توجه به این دو دسته، تاریخ (استمرار زمانی) و جغرافیا (مکان و طبیعت) در نظریات اغلب پژوهشگران مشترک است. فرهنگ از نظر نصر (۱۳۸۶)، هر نوع نتیجه

حاصل از اندیشه یا عمل است که «جهان‌بینی» حاکم بر آن اجتماع را نشان دهد یا به طور خاص، بازتاب جنبه‌های معنوی آن جهان‌بینی بر ابعاد مختلف حیات انسانی باشد و در معنای عام، تولیدات و کارهای روزانه انسانها را در بر گیرد. پس می‌توان ادعا کرد که برای شناخت فرهنگ لازم است نخست جهان‌بینی بررسی شود. جهان‌بینی در بهترین حالت از راه دین، آیینها، آداب و سنتها قابل بررسی است. فرهنگ ایران در دوران قبل و بعد از اسلام، هیچ‌گاه از دین جدا نبوده؛ با اینکه در هر یک از این دو دوره، جهان‌بینی جداگانه‌ای حاکم بوده است. طبق نظر وی، می‌توان در ایران فرهنگ منسجم و به هم پیوسته‌ای یافت که بازتاب دو جهان‌بینی قبل و بعد از اسلام در قلمروهای گوناگون است. فرهنگ علاوه بر آنکه معنای آموزش و تربیت دارد، به نظام در هم تنیده‌ای از خلق و خو و آداب و رسوم مشترکی اشاره دارد که مردم ساکن در یک حیطه، در آن مشترک‌اند. آثاری چون: ادبیات، شعر، معماری، موسیقی و مانند آن، که این مردم خالق آن‌اند، رنگ و بوی مشترکی دارند؛ زیرا نمودهای متفاوتی از یک فرهنگ‌اند که ریشه در یک جا دارند. به بیان دیگر؛ هر شاخه از هنر، نوعی از بیان فرهنگ است که در یک قالب هنری خاص بیان می‌شود. برخی صاحب‌نظران معتقدند نمودهای معمارانه گذشته نباید در زمان حال استفاده شود؛ زیرا این آثار در زمان ساخت، برای مردمی که با آن در ارتباط بودند، خواسته یا ناخواسته معنایی خاصی را تداعی می‌کرد. این نمودها بیانگر فرهنگ گذشته‌اند و اکنون ممکن است واجد معنایی فرهنگی که در گذشته منتقل می‌کردند، نباشند؛ برای مثال، گنبد که در معماری سنتی نمادی از آسمان بود، در معماری امروز و از نظر معماران معاصر چیزی جز یک تقلید نیست؛ اما از آنجا که سلیقه و پسند عام از فرهنگ جدایی‌ناپذیر است، می‌توان گفت این استفاده، گریزناپذیر و بدون اشکال است. به عبارت دیگر؛ امروزه از برخی نمادها یا اشکال هندسی، دیگر برای بیان معنا یا نشان دادن مفهومی ذهنی و با هدفی خاص استفاده نمی‌شود و این بهره‌مندی تنها بنا به دلایل زیبایی‌شناسی و حظ بصری است که در قالب معماری مدرن و با استفاده از مواد و روشهای امروزی به نمایش درآمده است. نمونه این بهره‌مندی از ترکیبهای اشکال هندسی را در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد

بهاره مختاری و همکاران ♦ ۵۱۱

اسلامی واحد تهران مرکزی می‌توان مشاهده کرد (شکل ۲)؛ گرچه این استفاده معمارانه نیست. به نظر می‌رسد هنوز هم تأثیر گذاری این عناصر در تلطیف فضای داخلی، انکار ناپذیر باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان ویژگی‌های فرهنگ را چنین برشمرد:

- یک شبه ایجاد نمی‌شود یا تغییر نمی‌کند؛ در نتیجه تابع عامل زمان است و به همین دلیل، تاریخ (استمرار در طول زمان) را با فرهنگ مرتبط می‌دانند.

- مجموعه‌ای از آداب، رفتارها و سنتها یا به عبارتی؛ رفتارهای اجتماعی است که بنا به دلایل مذهبی - عقیدتی یا قومی - ملی (یا به عنوان میراث نیاکان) انجام می‌شود؛ بنابر این، منطقه‌ای و خاص است.

- اکثر افراد پذیرای آن‌اند و به عبارتی؛ مقبولیت عام دارد؛ بنابر این، تا زمانی که رفتارهای گروهی در میان اکثر افراد یک منطقه پذیرفته نشود و در دوران متمادی استمرار نداشته باشد، به عنوان فرهنگ تعریف نمی‌شود.

- از آنجا که مقبولیت، سبب استمرار یک رفتار اجتماعی در طول زمان می‌شود، قابلیت تغییرات جزئی در فرهنگ وجود دارد؛ به ویژه تغییر سبک زندگی بر مبنای استفاده از ابزار روز، تأثیر بسیار مستقیم بر این مقبولیت دارد. در نتیجه می‌توان اذعان داشت سلیقه در تبدیل یک رفتار اجتماعی به فرهنگ یا حذف آن از فرهنگ امکان‌پذیر است.

- همواره افراد جامعه در تلاش برای معرفی فرهنگ خود می‌باشند؛ در نتیجه از هنر برای این منظور بهره برده‌اند و از آنجا که فرهنگ قابلیت تغییر یا به روز شدن دارد، قالبهای هنری متفاوتی در زمانهای مختلف بروز و ظهور یافته‌اند. بنابر این، فرهنگ، رفتارهای اجتماعی مقبول و مستمری است که در قالبهای متنوع هنری به شکلهای مختلفی می‌تواند تجسد یابد.



- جوانان، مخاطبان اصلی فرهنگ‌اند و هر جامعه برای حفاظت و حراست از فرهنگ خویش، جوانان خود را آموزش داده و به استمرار آن تشویق می‌کند.

ارتباط معماری با فرهنگ:

مردم در هر دوره، زبان خاصی

شکل ۳: ارتباط دوسویه معماری و رفتار انسان

۵۱۲ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...

برای برقراری ارتباط با یکدیگر دارند و معماری عصر خود را نیز به همان زبان می‌فهمند. این زبان از زندگی، علم و مسائل روز جامعه منتج می‌شود؛ پس اگر زبان یا فرهنگ دچار نقصان شود یا مورد حمله بیگانه‌ای قرار گیرد، معماری آن ملت نیز دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. بنابر این، معماری و فرهنگ، جدایی‌ناپذیر و به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر گذارند (مؤنی و مسعودی، ۱۳۹۵). معماری می‌تواند برای فعالیتهایی خاص فضا سازی کند؛ چستی این فعالیتها را به یاد انسانها بیاورد؛ ترجمان اعتقادات جهان شناختی باشد؛ اطلاعات را مبادله کند یا در خدمت بیان نظام ارزشهای فرهنگی و اعتقادات با استفاده از نشانه‌ها باشد. همچنین می‌تواند قلمروها را از یکدیگر تفکیک کند و تفاوت میان اینجا و آنجا، مقدس و نامقدس، مذکر و مؤنث، پشت و جلو، خصوصی و عمومی، مسکونی و غیر مسکونی و مانند آن را روشن سازد. اگرچه اصل بر تمایز بخشیدن به فضاهاست، اهداف بیان این تمایز و شیوه‌های بروز آن می‌تواند متفاوت باشد. قلمروها ممکن است به گونه‌ای ذهنی، با ایجاد تغییراتی در شکل کف فرش یا نحوه عمل آوردن آن (مثل جارو کشیدن یا پوشاندن آن با شن)، یا به کمک عناصر نمادینی چون سقف از یکدیگر مشخص شوند. معماری معانی محسوس برای هر جامعه پدید می‌آورد؛ آرمانها و باورهای هر قوم را در قالب اشکال و احجام هندسی و با بیانی استعاره گونه تعریف می‌کند. اهرام، معابد، گنبدها و برجها، شکلهای پایدار اند که به مواد و مصالح فانی، ارزشهای نمادین و اعتقادی بخشیده است. به علاوه، معماری با هویت بخشیدن به فضا، در رفتارها نیز تأثیر می‌گذارد و موقعیت بروز رفتارهای مطلوب و متناسب را ایجاد می‌کند. بنابر این، انسان و معماری نسبت به هم ارتباطی دوسویه دارند؛ به این صورت که معماری، مکانها و فضاهای مجزا و مشخص برای هر فعالیت فردی و اجتماعی به وجود می‌آورد که هر یک، رفتارهای خاصی طلب می‌کنند. برای مثال، در لندن خانه‌ها مستقیم به سیستم خیابان مرتبط می‌شوند؛ در حالی که در فرانسه، حیات این ارتباط را مختل می‌کند. در هر دو مورد، سلسله مراتب فضایی به عنوان بخشی از فرهنگ ظاهر شده است؛ زیرا بر مبنای اصول مولد از نوع خود نشان داده شده است. نمونه داخلی آن ادبیات یا فرهنگ مذهبی در اماکن مقدس مانند کلیساها، مساجد یا امامزاده‌هاست که معماری متفاوت و خاصی را طلب می‌کند و آن معماری، حس و رفتار خاصی را در انسانهایی که در آن فضا قرار می‌گیرند، ایجاد می‌کند. (شکل ۳)

آموزش معماری و نظام آموزش دانشگاهی: آنچه در این پژوهش در خصوص آموزش معماری مورد بحث قرار می‌گیرد، آموزش معماری در نظام دانشگاهی است؛ زیرا تغییر و تحول در فنون ساخت و استفاده از مصالحی که در ایران استفاده نمی‌شد، به تدریج صورت نپذیرفت و می‌توان به نوعی آن را وارداتی محسوب کرد. بنابر این، آموزش آن نیز به عهده واردکنندگان آن قرار گرفت که تبعاً در نظام آموزش سنتی نمی‌گنجید. شیوه آموزش استاد و شاگردی پیش از آموزش آکادمیک در همه جای دنیا مرسوم بود (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲)؛ اما پس از مدرنیسم و جدا شدن علوم مختلف، آموزش معماری نیز تغییر یافت و دیگر با روشهای قدیمی امکان‌پذیر نبود؛ زیرا یادگیری و تمرین فرمهای معاصر که صنعتی بودند و

بهاره مختاری و همکاران ♦ ۵۱۳

فراگیر شدند، نیاز به روشهای آموزشی جدید داشت. به هر حال، آموزش موفق آموزشی است که در آن اندیشهها شکل گیرد و رشد کند. بنابر این، آنچه در آموزش معماری اهمیت می‌یابد، پرورش ذهنی پویا در پس استعدادهای ذاتی فرد خواهد بود (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۳). آموزش برای تحول جامعه ضروری است؛ بنابر این، باید در راستای توسعه و ارتقای دانش باشد. آموزش، تعاملی میان یاددهنده و یادگیرنده است و هدف آن، تعلیم و پرورش یادگیرنده است. (ولی‌زاده اوغانی و عزیز، ۱۳۹۷)

آموزش معماری به دلیل گستردگی خود معماری، پاسخ یا رویکرد ثابتی نخواهد داشت و در طول زمان نیاز به تحقیق و انطباق با شرایط دارد. از سوی دیگر، اهمیت و حساسیت آموزش معماری نسبت به سایر رشته‌ها در شیوه‌های آموزشی و انتقال مهارت‌هاست. با توجه به اینکه خلاقیت نقش عمده‌ای در فرایند طراحی معماری ایفا می‌کند، اصلی‌ترین هدف آموزش دروس پایه معماری، ایجاد خلاقیت در دانشجویان است. خلاقیت، در تئوری، تمرین و نقد معماری متولد می‌شود. از آنجا که معماری یکی از ماندگارترین و مؤثرترین شیوه‌های بیان هویت و فرهنگ یک جامعه است (آزاد و همکاران، ۱۳۹۶)، ساختار آموزش معماری با آموزش دیگر رشته‌ها متفاوت و توأم با برنامه‌های آموزشی خاصی است که نیازمند صرف ساعات زیادی برای تمرین و مطالعه در شرایط سخت و مملو از اضطراب روزهای تحویل و محدودیتهای غیر ضروری، در راستای قرار گرفتن در بستر روند پرورش خلاقیت می‌باشد. متفاوت بودن ماهیت رشته معماری نسبت به دیگر رشته‌ها سبب ایجاد مشکلاتی در آموزش معماری می‌شود؛ زیرا افراد پذیرفته شده در این رشته، در مقاطع پیشین با مدل‌های آموزشی دیگری رشد یافته‌اند؛ به خصوص مدل آموزش مری‌محور که در آن بار آموزشی بر دوش مدرس است (دیزدار، ۲۰۱۵). اما در آموزش دروس پایه معماری، دانشجویان باید گامهای اولیه را بردارد و سپس با هدایت مدرس، آنچه در ذهن دارد را با تمرین و آزمونهای بسیار، خلق کند. با این حال، دانشجوی امروز معماری این توانایی را ندارد که با کنار هم قرار دادن دانش قبلی خود و آیمهای مختلف، به ایده جدید برسد. پیش از ظهور مدرنیسم، معماری به صورت علم یا تخصص به معنای امروز آن نبود؛ زیرا هدف معماری پدید آوردن مکانی برای انسان بود، نه کشف نادانسته‌هایی از عالم طبیعت یا پرداختن به نظریه‌ها برای فهم رویدادهای طبیعی؛ بنابر این، آموزش آن نیز متفاوت بود. در ایران، معمار تنها سازنده یک بنا نبود؛ بلکه یک متفکر، عالم، آشنا با علوم مختلفی همچون ستاره شناسی و گاه شاعر یا نویسنده نیز بود.

پژوهش، تمرین و آموزش باید میان آنچه خلاقیت می‌تواند توسعه دهد، ارتباط مساعی برقرار کند. فرهنگ چه در رکود و چه در حرکت، توسعه خواهد یافت. فرهنگ باید تغذیه شود، قالب‌گیری شود، تجسم بخشیده شود، توسعه داده شود و پرورش یابد. استفاده از فیلم و سینما (به عنوان یکی از مصادیق

۵۱۴ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...

فرهنگی و هنری) در آموزش دروس پایه معماری به لحاظ ایجاد زمینه درک مفاهیم معناشناختی مانند نور، فرم، مواد و مصالح، همچنین نشانه‌شناسی و بیان آن در قالب اسکیس و کروکی می‌تواند در میزان یادگیری دانشجویان بسیار مؤثر باشد (سرابی و مولانایی، ۱۳۹۶). بدین منظور، دانشجویان باید درکی از سیر تجربه به مفهوم داشته باشند (قره‌کار و دژبند، ۱۳۹۷). در این زمینه بهتر است تا از رویکردهای بومی در آموزش چنین مفاهیمی، به خصوص در دروس پایه استفاده شود. همچنین توجه به بستر دینی و مذهبی اجتناب‌ناپذیر است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ زیرا بستر فرهنگی نهفته در معماری سنتی، مظاهری از آیه‌های خداوند و با الهام گرفتن از مبانی و تفکرات اسلامی است. آموزش معماری باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموختگان این رشته، دانش و توانایی طراحی معماری داشته باشند که این مهم، شامل آشنایی با سیستم‌های تکنیکی و ملزومات آن، با در نظر گرفتن سلامت، امنیت و حفظ تعادل اکولوژیکی است (ساریدر ماسری، ۲۰۱۷). هدف آموزش، افزایش اطلاعات و فراگیری از طریق انجام تمرین است، اما اختلاف نظر میان اساتید در زمینه چگونگی و میزان بهره‌گیری از مصادیق یا روشهای تدریس (فضی و همکاران، ۱۳۹۶)، آموزش معماری را به چالش می‌کشاند.

آلتیه معماری جایی است که یادگیری و خلق فرم با تمرین عملی صورت می‌پذیرد؛ بنابراین، باید دارای فرهنگ خاص خود باشد و از آنجا که این فرهنگ بر نحوه نگرش دانشجویان مؤثر است و منتج به رفتارهایی خاص می‌شود، نحوه شکل‌گیری و نمایش آن بسیار اهمیت دارد (شهامت و همکاران، ۱۳۹۶). در آلتیه، دانشجو باید روش کار تیمی را فرا بگیرد و با بررسی و تحلیل نظرات دیگران میان کپی کردن و ایده گرفتن تمایز قائل شود.

فرهنگ آموزش: فرهنگ آموزش را می‌توان مانند تعریفی که برای فرهنگهای مبتنی بر محل کار آورده شده (آبرام، ۱۳۹۲)، چنین تعریف کرد که فرهنگ آموزش به مجموعه‌ای از عادات رفتاری، نگرشها، اولویتهای رفتاری و اخلاقی اطلاق می‌شود که در جامعه‌ای به نام دانشگاه شکل می‌گیرند و هر دانشکده می‌تواند خرده‌فرهنگهای مخصوص به خود را داشته باشد.

دروس پایه معماری: دروس پایه معماری با هدف آشنایی بیشتر دانشجویان با رشته معماری و تکمیل نقصهای مقاطع قبلی در خصوص این رشته تدوین شده است. با توجه به آخرین سرفصل ارائه‌شده توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۷ واحد به عنوان دروس پایه معماری معرفی و در آنها، بیان معماری برای ترسیم و مقدمات طراحی برای خلق فضا به موازات یکدیگر در سه ترم؛ اسکیس در دو ترم؛ انسان، طبیعت و معماری و ارائه به کمک رایانه، هر کدام در یک ترم تعریف شده‌اند. هدف این پژوهش، معرفی یا نقد این سرفصل نیست؛ اما مطالعه آن نشان می‌دهد توجه به فرهنگ و آشنایی با مؤلفه‌های فرهنگی نیز به طور مستقیم مورد بحث و اشاره قرار نگرفته‌اند. در سال اول آموزش

بهاره مختاری و همکاران ♦ ۵۱۵

معماری، درس مقدمات طراحی در مقایسه با دیگر دروس معماری، از اهمیت بیشتری برخوردار است که این نکته از اختصاص بالاترین ساعات به این درس مشخص می‌شود. البته در سرفصل آموزشی در ایران، با درس بیان معماری به عنوان تکمیل‌کننده مباحث، همراه است. آنچه از محتوای دروس پایه انتظار می‌رود، این است که پس از آشنایی با فرمها و حجمها، ویژگی‌ها و نحوه ترکیب آنها با یکدیگر، ماحصل کار به اصالت فکر و اندیشه نزدیک باشد و از تقلیدهای کورکورانه و بی‌هدف جلوگیری شود.

با وجود مطالعات انجام‌شده در زمینه فرهنگ و آموزش معماری، برنامه‌ای کاربردی در نظام آموزش دانشگاهی یا مدلی بر مبنای فرهنگ در جهت رفع این معضل پیشنهاد نشده است. جدول ۱ به طور خلاصه به بررسی پیشینه پژوهش پرداخته است. همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، محققان به عدم توجه به موضوع فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی اشاره داشته‌اند؛ اما هیچ یک برنامه‌ای کاربردی برای رفع این مشکل یا آسیبهای شناسایی شده ناشی از آن پیشنهاد نداده‌اند. بنابر این، نوآوری این پژوهش در ارائه یک برنامه کاربردی در جهت شناسایی و رفع آسیبهای موجود در نظام آموزشی است.

جدول ۱: بررسی پیشینه تحقیق

| عنوان مقاله | نویسندگان | روش پژوهش | نشریه | دستاوردها |
|---|---|-----------------|--------------------------------------|--|
| ارزیابی برنامه‌های آموزش معماری دوره کارشناسی در ایران از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگی | غریب‌پور و توتونچی مقدم (۱۳۹۵) | تحلیل محتوا | مطالعات معماری ایران | ویرایش جزئی محتوای دروس برای ارتقای مؤلفه‌های فرهنگ |
| ارزیابی فرهنگ یادگیری دانشجویان رشته معماری دانشگاه شهید بهشتی (قوتها و ضعفها) | معارف‌وند و همکاران (۱۳۹۷) | تحلیل محتوا | مطالعات اندازه‌گیری و ارزیابی آموزشی | عدم توجه مسئولان به تفاوت ماهوی رشته معماری |
| الزامات ارزش-گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری | کریم مردمی و اصغر محمدمرادی (۱۳۸۷) | ندارد | علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت | میراث فرهنگی- معماری ایران باید یک فرازبان معماری برای توصیف زبان و بیان معماری امروز باشد |
| تبیین مبانی نمود فرهنگ در معماری بومی ایران و ارتباط آن با ایجاد حس تعلق به مکان | غلامرضا علی‌محمدی و رکسانا عبدالهی (۱۳۹۷) | توصیفی- تحلیلی | مدیریت شهری | مفاهیم فرهنگی در مظاهر ویژه خود در معماری حضور می‌یابند |
| تربیت و عمارت: آموزش معماری با تأمل در مفهوم فرهنگ نزد قدما | الناز نجارنجفی (۱۳۹۱) | ندارد | آموزش مهندسی ایران | معمار اهل فرهنگ در هرجایی اقدام به عمارت نمی‌کند |
| رابطه فرهنگ و معماری | کوروش مؤمنی و زهره مسعودی (۱۳۹۵) | ندارد | جلوه هنر | رفتار مخاطب، فضا را می‌سازد |
| تحلیل همبستگی کانونی بین مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی و مسئولیت اجتماعی در آموزش عالی | زهره حیدری‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) | توصیفی- همبستگی | فرهنگ دانشگاه اسلامی | فرهنگ دانشگاهی متغیری تعیین‌کننده در دانشگاه است |

۵۱۶ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...

با توجه به آنچه گفته شد، دیاگرام چارچوب نظری پژوهش شکل می‌گیرد. (شکل ۴)

ج) روش و ابزار

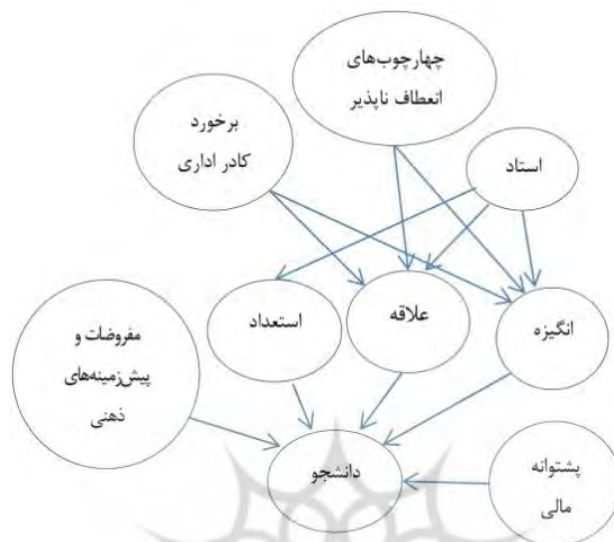
از آنجا که این پژوهش به لحاظ ماهیت در گروه پژوهشهای کیفی قرار دارد، روش انجام این پژوهش نیز کیفی بوده است. جامعه آماری مصاحبه، ۳۰ تن از اساتید دارای سابقه در زمینه تدریس دروس پایه بودند که به صورت هیئت علمی با دانشگاه همکاری می‌کنند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی شد. شکل ۵، اولویت‌بندی نظرات جامعه آماری را برای ارتقای نظام آموزش معماری نشان می‌دهد.



شکل ۵: اولویتهای ارتقای آموزش معماری از نگاه اساتید



شکل ۴: چارچوب نظری پژوهش



پژوهش
روی
مرحله
معماری

شکل ۶: عوامل مؤثر بر یادگیری دانشجو

متغیر این
در زمینه مطالعه
دروس پایه، در
اول «دانشجوی»

در مقطع کارشناسی است که با توجه به محدودۀ مطالعه از میان دانشجویان ورودی جدید (دو سال اول)؛ در این خصوص عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای فردی دانشجو در زمینه یادگیری اهمیت می‌یابد. در این مرحله، پژوهشگران داده‌های اولیه را از طریق مشاهدات میدانی گردآوری کرده، سپس با داده‌های حاصل از مصاحبه انطباق دادند و ترکیب کردند. در مصاحبه، از جامعه آماری خواسته شد علاوه بر یادآوری دوران دانشجویی خود، مشاهدات شخصی خود را در زمینه مشکلات دانشجویانشان نیز بیان کنند. (شکل ۶)

داده‌های حاصل از این پژوهش با استفاده از ابزار کتابخانه، اینترنت و مصاحبه، به روش فیش‌نویسی و مطالعات میدانی گردآوری شده است. در برخی موضوعات، بهترین شیوه برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، ایجاد یک بحث گروهی (بدون مدیریت و هدایت بحث) بود تا شرکت‌کنندگان علاوه بر اظهار نظر آزادانه، از تجربیات شخصی خود نیز صحبت کنند (تساهل). در موضوعات دیگری که لازم بود تمام مصاحبه‌شوندگان در بحث شرکت کنند نیز روش مصاحبه با سؤالات پایان باز (سؤالات مرتبط با فرضیه و سؤال پژوهش) انتخاب و به تفکیک موضوع در چند جلسه برگزار شد (مصاحبه و بحث گروهی با متخصصان انجام شده است). سپس مصاحبه‌ها به صورت متن، پیاده‌سازی و برای تحلیل آماده شد؛ بدین صورت که تأکید جملات و کلمات که در صوت مشخص بود، به صورت جداگانه دسته‌بندی و ارتباط واژه‌ها و موضوع بررسی و جملات و کلمات غیر مرتبط حذف شد (تلخیص). پس از آن رتبه‌بندی دسته‌ها

۵۱۸ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...

با هدف تحلیل فراوانی جهت سهولت تکنیک «تحلیل محتوای ساختاربخش» انجام شد. در مرحله بعد، با استفاده از فراوانی واژگان و مقایسه با دسته‌بندی‌های پیشین و کدگذاری باز، موضوع اصلی و زیربخشهای آن و همین‌طور ارتباط آنها با یکدیگر مشخص شد. به منظور تعیین اعتبار مصاحبه‌ها (روایی)، درجه صحت و وثوق در دو مرحله کنترل شد؛ در مرحله اول اطمینان حاصل شد که نویسندگان مقاله در پاسخها ایجاد مانع نکرده و دخالت و سو دهی نداشته باشند و در مرحله دوم، صحت محتویات پاسخهای ارائه شده پس از مصاحبه مورد تأیید مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. اطمینان‌پذیری (معادل پایایی در روش تحقیق کمی) نیز بر پایه رویه تحقیق انجام شد.

با توجه به اینکه فراوانی یک واژه نشان‌دهنده اهمیت یا تأثیرگذار بودن آن عامل بر روند پژوهش است، جدول ۲ تدوین شد که سبب ایجاد دیاگرامهای مربوط به شکل‌های ۲، ۷ و ۸ نیز شده است.

جدول ۲: فراوانی و درصد واژگان استفاده شده در مصاحبه‌ها بر اساس کدگذاری روش تحلیل محتوا

| کد مصاحبه‌شونده | ارزش | درصد | تکرار | واژه |
|----------------------------|------|-------|-------|-------------------------|
| 1-30 | ۱ | 36.08 | ۷۷ | سیستم آموزشی |
| 1,5,12,19-30 | ۲ | 9.84 | ۲۱ | اساتید |
| 1-4,6-16,20- 29 | ۲ | 14.05 | ۳۰ | کارکنان |
| 2,5,11,13-19,20-30 | ۲ | 9.37 | ۲۰ | محیط آموزشی |
| 1,4,9,10-15, 20, 29, 30 | ۲ | 7.02 | ۱۵ | سیاست |
| 3,7,8,15,17, 20-30 | ۲ | 8.90 | ۱۹ | امکانات |
| 1-30 | ۱ | 39.36 | ۸۴ | دانشجو |
| 1,9,10,19,25,29 | ۲ | 9.73 | ۱۲ | اقتصاد |
| 1-5,7,9,10,13,15,19,24,30 | ۲ | 9.37 | ۲۰ | انگیزه |
| 2,3,6,11,12,15,17,23,25,27 | ۲ | 9.37 | ۲۰ | علاقه |
| 9,10,17,18,21,23,27,29 | ۲ | 3.74 | ۸ | پیش‌زمینه ذهنی |
| 1,4,5,7,10-15,28-30 | ۳ | 9.73 | ۱۲ | مدرس |
| 1-4,12,15,16,20-25 29 | ۳ | 7.02 | ۱۵ | رفتار |
| 1-30 | ۳ | 24.83 | ۵۳ | یادگیری |
| 6,11,12,18,19,23,25,30 | ۳ | 3.74 | ۸ | چارچوبهای انعطاف‌ناپذیر |

ج) یافته‌ها

این پژوهش با هدف بررسی خلل مباحث فرهنگی موجود در دروس معماری، به خصوص دروس پایه، آغاز شد؛ اما در ادامه مشخص شد نواقص مورد بررسی به محتوای آموزشی ختم نمی‌شود. عدم ارتباط دانشجویان همدوره و بسته بودن درهای همکاری و همفکری، متفاوت و متنوع بودن عناوین آموزشی و همخوان نبودن تمرینها، دانشجویان را دچار سردرگمی می‌کند و سبب بروز مشکلات بسیاری برای اساتید

بهاره مختاری و همکاران ♦ ۵۱۹

ترمه‌های بعدی می‌شود. برای مثال، در درس مقدمات ۲ در یک کلاس، به دلیل تنوع و همخوان نبودن تمرینهای درس مقدمات ۱ ترم گذشته، استاد مربوطه با چند دستگی دانشجویان و متفاوت بودن سطح علمی و میزان اطلاعات آنان مواجه می‌شود و همین امر برای دروس طرح نیز صادق است. در نتیجه، درون سیستم آموزشی نیز نیاز به یک فرهنگ آموزشی وجود دارد که در آن، ضمن تعریف رفتار مشارکت گروهی و تبادل نظر میان اساتید، پروژه‌ها به لحاظ محتوا، طرح مسئله و زمان ارائه، هماهنگ شده و با برگزاری ژورنال‌های گروهی، زمینه برای تبادل اطلاعاتی دانشجویان گروه‌های مختلف یک دوره برقرار شود؛ در نتیجه، نه تنها میزان اطلاعات خود را افزایش می‌دهند، بلکه برای یادگیری نیز به استاد متکی نبوده و با منابع جدیدتری آشنا خواهد شد. ضمن آنکه کار گروهی، یکی از ویژگی‌های فرهنگی است که در امر آموزش از آن غفلت شده است. این مهم، به استخراج داده‌های جدید از لایه‌های پنهان متن مصاحبه انجامید (جدول ۳) که در شکل‌گیری اولیه مدل راهکار پیشنهادی بسیار مؤثر بود.

جدول ۳: بررسی و تحلیل کیفی نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره اهمیت تعامل دانشجویان بر مبنای تکنیک تحلیل محتوا

| واژه | متن مصاحبه‌شوندگان | کد مصاحبه‌شونده | لایه‌های پنهان |
|-----------------|--|-----------------|--|
| یاددهی | من برای آموزش به دانشجویانم زمان زیادی برای برنامه‌ریزی صرف می‌کنم. من برای آموزش از روز قبل چندین کتاب مطالعه می‌کنم. در کلاس من بچه‌ها منتظر هستند ببینند چه چیز جدیدی قرار است یاد بگیرند | ۲۰، ۱۳، ۱ | اتکای بیش از اندازه به استاد |
| یادگیری | در زمان دانشجویی ما، زیاد پیش می‌آمد که متوجه مطالب نشویم. این طور مواقع چند نفر می‌شدیم و برای هم توضیح می‌دادیم | ۲۱-۳۰ | یادگیری دانشجویان از یکدیگر |
| امکانات و منابع | زمان ما، اینقدر منابع در دسترس و فراوان نبود؛ الان اطلاعات در اینترنت به راحتی در دسترس است و حتی بچه‌ها با اطلاعات زیادی مواجه‌اند. | ۱۹-۳۰ | کاهش اتکا به استاد- سردرگمی نسل جدید در میان انبوه منابع |

در زمینه فرهنگ آموزش ابتدا باید روابط میان عوامل مؤثر بر حوزه مطالعه و میزان اثرگذاری آن مشخص شود که با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده، مشخص شد یکی از این عوامل، سیستم آموزش دانشگاهی است؛ زیرا این واژه و زیربخش‌های آن، مانند محیط آموزشی، امکاناتی که سیستم می‌تواند در اختیار عوامل آموزشی قرار دهد، مدیریت و سیاستی که سیستم اتخاذ کرده و اولویتها را تبیین می‌کند، همچنین مهارت و شایستگی کادر اداری و آموزشی، بیشترین فراوانی را در صحبت‌های جامعه آماری داشتند. جدول ۴، روابط بین اجزای سیستم آموزش دانشگاهی با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا را نشان می‌دهد. این تکنیک، علاوه بر آشکارسازی لایه‌های پنهان در متن پاسخهای جامعه آماری، مشخص می‌کند هر یک از این اجزا می‌تواند به عنوان محدودیت‌های سیستم نیز تلقی شود. این محدودیتها، میزان آزادی عمل کادر آموزشی را در چارچوب برنامه‌هایی معین تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در نتیجه، کادر آموزشی نمی‌تواند مستقل از این محدودیتها عملکرد قابل توجهی داشته باشد. با این وجود، این متغیرها در ساختار پژوهش حذف شده‌اند و فرض بر آن است که آموزش دروس پایه، در فرهنگ دانشگاهی تعریف شده‌ای به آموزش فرهنگ خواهد پرداخت.

۵۲۰. بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با درس پایه در راستای ارتقای کیفی...

جدول ۴: بررسی نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره عوامل مؤثر بر کارکرد سیستم آموزشی بر مبنای تکنیک تحلیل محتوا

| واژگان مهم | تلخیص دیدگاه مصاحبه‌شوندگان | ارزش | واژه |
|-----------------------|--|------|---------------------------|
| اقتصاد، دانش، تعاملات | بنگاه اقتصادی، قرارگاه رفتاری، کانون تولید علم، دارای روابط اجتماعی، سیستم ناکارآمد، نیاز به به‌روز شدن، یک مجموعه مشکل از کادر اداری، آموزشی و پژوهشی که زیر نظر یک مدیریت واحد فعالیت دارند. | ۱ | سیستم آموزشی |
| کادر آموزشی | مشکل از هیئت علمی (ثابت) و حق‌التدریس (موقتی)؛ دارای محدودیت، اندیشه‌های متفاوت و نگاه متضاد در خصوص یک مسئله؛ برنامه‌ریزی برای طرح مسئله و زمانبندی از شروع تا تحویل پروژه؛ نحوه برخورد، تدریس و تشویق دانشجو در یادگیری و روند رشد دانشجو تأثیرگذار است. | ۲ | استاد/ Teacher |
| کادر اداری | رقابت برای پستهای بالاتر؛ تجربه و تخصص پایین و نگاه نامتناسب با پست؛ برخورد نامناسب با دانشجو | ۲ | کارمندان اداری/ Personnel |
| جو آموزشی | آتلیه، فضای سبز، مسیر، ساختمانها، فضاهای تحقیقاتی، گلخانه که هم بر شادابی دانشجو تأثیرگذار است و هم در پس‌زمینه ذهنی وی. | ۲ | محیط آموزشی |
| رویکرد | اولویت دانشگاه چیست؛ از منابع خود چگونه استفاده می‌کند؛ تا چه حد استقلال دارد؛ چقدر با دیگر دانشگاهها و مراکز علمی در ارتباط است؛ چقدر با بازار کار در ارتباط است. | ۲ | سیاست و مدیریت |
| منابع و امکانات مالی | چقدر حمایت مالی دارد؛ چقدر استقلال مالی دارد؛ چقدر برنامه‌های درآمدزایی دارد. | ۲ | امکانات و منابع |

این عوامل - که دارای بیشترین فراوانی در داده‌های حاصل از مصاحبه و مستخرج از جدول ۳ است - به صورت زنجیروار با آنچه در خصوص سیستم آموزشی نشان داده شده، در ارتباط است. مرحله دوم، «محتوای آموزشی» است که به منظور بررسی جایگاه فرهنگ در آموزش درس پایه، مصاحبه و بحث گروهی انجام شد. در روند جمع‌آوری داده‌ها، مشخص شد این مصاحبه نیاز به شیوه مصاحبه گروهی و چند مرحله‌ای، با سؤالات باز، متمرکز و مسئله‌محور اندیکاسیون (ر.ک: فلیک، ۱۳۹۷) دارد.

شاخصه‌های فرهنگی در آموزش فرهنگ: اهمیت بخشیدن به فرهنگ، از آموزه‌های ارزشمند انقلاب اسلامی در ایران است که برای مقابله با اشاعه - و حتی برترینی - فرهنگ غربی مطرح شد. گرچه در غرب نیز بیانیه‌های مدرن مبنی بر اهمیت نداشتن فرهنگ هر قوم و یکسان‌سازی فرهنگ و معماری، در همان زمان مخالفان بسیاری داشت، اما این مخالفان در میان جامعه دانشگاهی پذیرفته نشدند و در نتیجه، تفکر حاکم بر غرب تا ظهور پست‌مدرن و پس از آن، به مدت قابل توجهی بی‌ارزش دانستن فرهنگ مناطق مختلف بود. به منظور آنکه دورنمایی از مبانی نظری پژوهش در اختیار مخاطب قرار گیرد، جدول ۵ بر اساس نظریات جامعه آماری تدوین شده که در آن، عناوین اصلی پژوهش به اختصار عنوان شده و نویسندگان به تشریح و توضیح آن پرداخته‌اند.

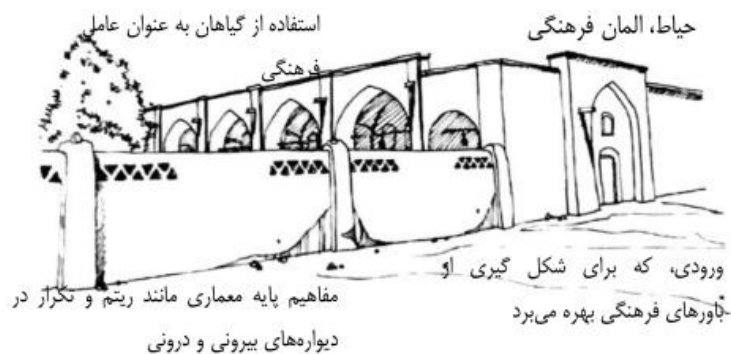
جدول ۵: قالب مبانی نظری و اهمیت آن از نظر مصاحبه‌شوندگان

| تکرار | درصد | میانگین نمرات | | ارزش | عنوان مقوله |
|-------|-------|---------------|----------------|------|------------------------------------|
| | | P | R ² | | |
| ۱۰ | 4.37 | 0.01 | 0.28 | ۱ | فرهنگ |
| ۱۹ | 8.84 | 0.07 | 0.12 | ۱ | ارتباط معماری با فرهنگ |
| ۳۰ | 14.05 | 0.01 | 0.28 | ۱ | آموزش معماری و نظام آموزش دانشگاهی |
| ۲۰ | 9.37 | 0.00 | 0.30 | ۱ | درس پایه معماری |

تحلیل یافته‌ها

همان‌گونه که گفته شد، غفلت از فرهنگ در معماری، سبب افت سطح کیفی آن در عصر حاضر شده است؛ در نتیجه برای ارتقای آن لازم است فرهنگ جایگاه خود را در معماری ایران بازیابد و البته متصدی این امر، دانشگاه‌ها می‌باشند. یک دانشجوی معماری باید درک صحیحی از فرهنگ جامعه خود داشته باشد تا بتواند نیازهای فرهنگی را شناسایی و برای آن، پاسخی معمارانه ارائه کند؛ بنابر این، لازم است در محتوای آموزشی خط مینا، فرهنگ و چارچوبهای فرهنگی باشد که این امر مستلزم بروز نوآوری در آموزش است. نوآوری در آموزش به این بستگی دارد که سرفصلها چگونه به‌روز شوند و دانشجویان چگونه در فرایند آموزش حضور فعال داشته باشند. بهره‌گیری از مؤلفه‌های فرهنگی در معماری، زاویه دیگری از مقوله فرهنگ در ارتباط با آموزش است. چگونگی و زمان آموزش فرهنگ در معماری نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. عواملی همچون: برنامه‌ریزی، طراحی و فازهای ساختاری در کنار اجزای عملکردی برای خلق یک محیط مصنوع- با در نظر گرفتن عوامل اقتصادی، از معیارهای مهم و تأثیرگذار بر طراحی است که به موازات آن، نیاز به بررسی و تحلیل دارد. لازمه پیوند میان دانش نظری و کسب تجربه عملی، ایجاد زمینه‌ای برای یادگیری پویاست. در یادگیری پویا، دانشجو فقط به گوش کردن بسنده نمی‌کند و فعالیت و تمرین به دانشجو امکان مشارکت، پرسش و رشد می‌دهد، علاقه و توجه او را به موضوع جلب می‌کند و او را تشویق به مشارکت بیشتر می‌کند. از طرف دیگر، دانش در زمان درست می‌تواند زمینه‌ساز خلاقیت دانشجو باشد؛ با این حال، هر فردی که این دانش را در اختیار داشته باشد، لزوماً خلاق نیست. از آنجا که موضوع خلاقیت به طور جدی در مقاطع پیشین تحصیلی مورد توجه سیستم آموزشی نبوده است، وظیفه اصلی دروس پایه پرداختن به آن است. در واقع؛ محتوای دروس پایه باید به نحوی باشد که دانشجو را وادار سازد به مسئله پیش رو از زوایای مختلف نگاه کند و با این تغییر زاویه دید، به جوابهایی بدیع دست یابد. آنچه این پاسخها را ارزشمند می‌سازد، انتخاب آگاهانه فرمها و ترکیبهایی است که با فرهنگ ایران در ارتباط تنگاتنگ باشد.

۵۲۲ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...



شکل ۷- کروکی تحلیلی (منبع: نویسندگان)

بهترین روش برای رسیدن به این هدف، نقد و تحلیل بناهای سنتی ایران در راستای تحلیل راهکارهای معماران ایرانی برای پاسخ به مسئله نیازهای فرهنگی است. در این تحلیلها، دانشجویان ضمن تقویت قدرت بصری و فضاسازیهای معمارانه، می‌توانند با هم‌نشینی مصالح، رنگ، ادبیاتی که در معماری یک بنا جریان دارد، مفاهیم پایه معماری و اصول مرتبط با آن از جمله فرهنگ، مذهب و اقلیم، مفاهیم معنایی مانند نور و تأثیر نورپردازی بر فضاسازی، روح معماری و استفاده نمادین از شکل و فرم و دیگر عوامل مؤثر در طراحی و معماری، نحوه بیان و ارائه معمارانه در قالبهای کروکی، اسکیس و راندو، کلاژ یا ایماژ نیز آشنا شوند. در نتیجه، لازم است از یکی از دروس بیان برای آموزشهای کاربردی، تحلیلی و انتقادی در ترسیم معماری استفاده شود. برای نمونه، در تمرین ارائه کروکی تحلیلی از «کاروانسرای نائین» (شکل ۷)، علاوه بر اینکه دانشجوی معماری را به استفاده از کروکی برای معرفی بنا وارد می‌سازد، چگونگی معماری مبتنی بر فرهنگ در گذشته را به وی می‌آموزد و این امکان را به او می‌دهد تا در شرایط فرهنگی جدید، مفاهیم فرهنگی را معمارانه بیان کند. یا تحلیل بنای «کلیسای مریم در اصفهان» به دانشجوی آموزش می‌دهد که یک بنا در بستر دینی و فرهنگی چگونه می‌تواند با فرم و تکنیکهای ساخت در سطح ملی همراه باشد و مذهب، جغرافیای سیاسی، اقتصاد و نمادهای فرهنگی را تحلیل و بررسی کند (شکل ۸). بدین ترتیب، ترکیب بندی و تمرینهای مرتبط با آن، توانایی استنباط زبان بصری، تفکر بصری و بیان بصری با استفاده از دو یا سه اثر هنری را در دانشجویان تقویت می‌کند. این تمرینها اگر به صورت گروهی انجام شود، روحیه کار گروهی، تقسیم کارها و مسئولیت پذیری نیز زیر نظر استاد آموزش داده خواهد شد. نقش خانواده‌ها به عنوان عامل برانگیختن خلاقیت و افزایش انگیزه دانشجویان انکارناپذیر است؛ زیرا بروز استعداد و اعتماد به نفس، که از گامهای بسیار مهم در پرورش آفرینشگری در دانشجویان است، به میزان پشتیبانی خانواده و همکاری آنان با دانشجوی معماری بستگی دارد. علاوه بر آن، لازم است دیدگاه خلاق محور به عناصر فرهنگی در میان تمرینهای معماری گنجانده شود. جدول ۶ نشان می‌دهد واژه جامعه بیشترین فراوانی را در متن نظرات

بهاره مختاری و همکاران ♦ ۵۲۳

مصاحبه‌شوندگان داشته است که این امر مبین اهمیت و تأثیرگذار بودن محیط و عوامل انسانی بر فرهنگ، معماری و آموزش است.



شکل ۸- نمونه شیت تحلیلی (منبع: نویسندگان)

جدول ۶: بررسی نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره عناصر فرهنگی سازنده خلاقیت بر مبنای تکنیک تحلیل

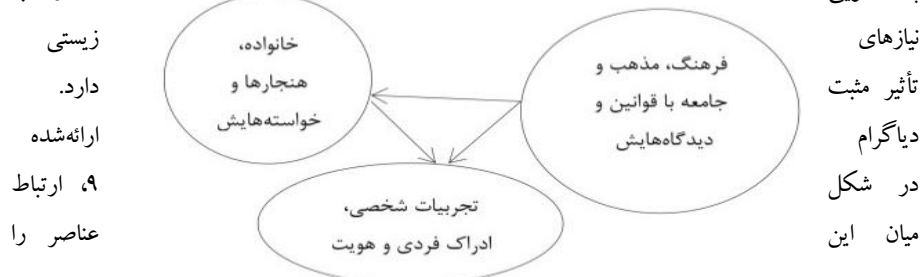
محتوا

| واژه | تکرار | درصد | ارزش | کد مصاحبه‌شونده |
|--------------|-------|------|------|-----------------|
| مذهب | ۱۲ | 5.62 | ۱ | 1-5, 12 |
| جامعه | ۲۱ | 9.84 | ۱ | 1,5-10,12,17-30 |
| خانواده | ۱۰ | 4.68 | ۱ | 1-4,6,16,20 |
| تجربیات شخصی | ۱۲ | 5.62 | ۱ | 21-29 |

(د) بحث و نتیجه‌گیری

عناصر فرهنگی، نوعی تیزبینی در نگرش دانشجو به محیط اطراف و وقایع پیرامون وی ایجاد می‌کنند و او را ملزم می‌سازند از انبوه طرحهایی که در فضای مجازی پیش روی اوست، تنها گزینه «یادگیری» را پیش رو داشته باشد و به جای کپی‌برداری، ذهن خود را برای ارائه خلاقانه‌محور و مبتنی بر فرهنگ خود، پرورش دهد.

از سوی دیگر، خانواده‌ها- به عنوان بنیانهای فرهنگی- با شناخت ماهیت و محتوای دروس پایه، نقش مؤثری در افزایش درک دانشجویان از مفاهیم فرهنگی و ایجاد ارتباط آن با زندگی خواهند داشت که بر نحوه پاسخگویی



شکل ۹- ارتباط عناصر فرهنگی سازنده و پشتیبان خلاقیت (منبع: نویسندگان)

۵۲۴ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...

نشان می‌دهد. در نظام آموزش مبتنی بر فرهنگ، آشنایی خانواده‌ها با این رشته اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا در این نظام، دانشجو برای انجام مطالعات میدانی باید در جامعه حضور داشته باشد و با نگاه پرسشگر به جستجو و برداشتهای تصویری بپردازد تا به درک صحیحی از بستر و زمینه طراحی، چه به لحاظ تاریخ و سنتهای آن و چه از نظر فرهنگ رایج و نیازهای مرتبط با آن، دست یابد. به علاوه این رشته نیازمند زمان بسیار زیادی برای کسب تجربه است و یادگیری از طریق آزمون و خطا و نقد و تحلیل صورت می‌پذیرد. با این وجود، خانوادهها با تصور اینکه قبولی در دانشگاه کافی بوده و آموزش دانشگاهی نیاز به صرف زمان کمتری دارد، بار فکری و روحی مضاعفی به دانشجویان وارد می‌کنند. بنابر این، لازم است مدلی در اختیار نظام آموزشی قرار گیرد که کاستیهای مرتبط با زمانهای خارج از دانشگاه را جبران کند و ذهن و روح دانشجویان را برای آفرینشگری مهیا سازد.

ذکر این نکته ضروری است که معنای آفرینشگری و خلاقیت در تمام دوره‌ها یکسان نبوده و در بازه‌های مختلف آموزش معماری، فنون مختلفی برای آن عنوان شده است. برای معنا بخشیدن به خوب بودن یا قابل قبول بودن خلاقیت، فرهنگ مطرح می‌شود که البته این ارزشگذاری کمی دشوار است؛ زیرا شناسایی ارزشهای فرهنگی به اندازه ضد ارزشها آسان و ساده نیست. شاید بتوان این گونه تمرینها را در قالب ساده‌سازی معماری انجام داد که در آن معماری سنتی با فرمهای ساده تحلیل شوند و بر مبنای فرمهای ایجادشده، دسته‌بندی‌ها و ارزشگذاری‌ها صورت پذیرد. البته احساس مسئولیت در دانشجویان و اساتید برای رسیدن به آرمانهای دینی و برانگیختن حس غرور ملی نیز اهمیت بسیاری دارد. بدین منظور، می‌توان از یکی از دروس مقدمات طراحی استفاده کرد؛ زیرا دروس مقدمات طراحی با اهداف و محتوایی که دارند، در خلق فضا و کار با فرمها و احجام می‌توانند به نحوی تنظیم شوند که پاسخگوی نیازهایی همچون: سرپناه (نیاز انسانی؛ پاسخ معمارانه: مسکن)، سرزندگی، پویایی و شادابی (نیازهای روحی؛ پاسخ معمارانه: میادین و بازارها)، خلوت و عبادت (نیازهای دینی؛ پاسخ معمارانه: مساجد و خانقاهها)، حس غرور ملی در بزرگداشت اسطوره‌ها (نیاز ملی؛ پاسخ معمارانه: آرامگاهها و بناهای یادبود) باشند. جدول ۷، نظرات مصاحبه‌شوندگان را در خصوص جایگاه فرهنگ در دروس پایه معماری نشان می‌دهد و جدول ۸، به پردازش اهمیت و جایگاه فرهنگ با توجه به نتایج داده‌های حاصل از مصاحبه مرتبط با آن می‌پردازد.

جدول ۷: بررسی نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره جایگاه فرهنگ در دروس پایه معماری

| کد مصاحبه‌شونده | ارزش | درصد | اهمیت | متن |
|-----------------|------|------|-------|---|
| 9-16, 21 | ۱ | 5.62 | ۱۲ | توجه به فرهنگ در محتوای آموزشی دانشجو را به سمت یافتن نیازها و پاسخهای صحیح هدایت می‌کند. |
| 3,5-10,16,17-30 | ۱ | 9.84 | ۲۱ | در حال حاضر فرهنگ در محتوای آموزشی جایگاهی ندارد. |

۵۲۵ ◊ بهاره مختاری و همکاران

جدول ۸: تحلیل محتوای ارتباط معماری و آموزش آن با فرهنگ و همبستگی دروس پایه با آن بر اساس ارزش حاصل شده از جدول ۵

| واژه/دسته اصلی | تکرار | درصد | میانگین نمرات | | ارزش | ضریب همبستگی با فرهنگ |
|----------------|-------|-------|---------------|----------------|------|-----------------------|
| | | | P | R ² | | |
| ماهیت رشته | ۲۰ | 9.37 | 0.00 | 0.30 | ۱ | ۱ |
| جذابیت رشته | ۲۱ | 9.84 | 0.07 | 0.12 | ۲ | 0.02 |
| ویژگی‌های فردی | ۳۰ | 14.05 | 0.02 | 0.25 | ۲ | 0.90 |
| شرایط محیطی | ۲۰ | 9.37 | 0.01 | 0.28 | ۲ | 0.08 |
| سیاست دانشگاه | ۱۵ | 7.02 | 0.12 | 0.11 | ۲ | 0.50 |
| امکانات | ۱۹ | 8.90 | 0.00 | 0.31 | ۲ | 0.29 |
| جهان‌بینی | ۸۴ | 39.36 | 0.02 | 0.10 | ۱ | ۱ |
| محتوای آموزشی | ۱۲ | 9.73 | 0.00 | 0.32 | ۲ | 0.12 |

پیشنهادها و محدودیتها

بر مبنای اطلاعات پیش گفته، برای رسیدن به نتیجه مطلوب، لازم است فرهنگ آموزش معماری تعریف شود. به عبارتی؛ دانشکده معماری، فرهنگ‌ساز باشد؛ بدین معنا که هر دانشجو به محض ورود، با ادبیات، رفتارها، نحوه برخورد، سخن گفتن و منش خاصی تربیت شود؛ در نتیجه، وی به لحاظ روحی، فکری، بینشی و ارتباطی، دانش و مهارت‌های لازم را به دست خواهد آورد. اما دانشکده‌های معماری در ایران به اندازه کافی قدرت تصمیم‌گیری ندارند و تابع سیستمی‌اند که دانشگاه تعریف می‌کند. به علاوه، مشاهدات میدانی پژوهشگران نشان داد موانع دیگری نیز در رسیدن به نتیجه مطلوب وجود دارد که در تصویر ۹ از آنها با عنوان متغیرهای بازدارنده یاد شده است؛ برای مثال، در بررسی‌های پیمایشی مشخص شد در بخش مدیریت، دانشگاه ریسک‌پذیری بالایی ندارد و در نتیجه نسبت به تغییرات موضع‌گیری دارد؛ منافع دانشگاه، بی‌اعتمادی، تعجیل در رسیدن به نتیجه و نتیجه‌گرایی و ایجاد نظام سلسله‌مراتبی در کنار رقیب‌پنداری، سوء مدیریت و اصرار بر اشتباهات گذشته، می‌تواند از موانع بسترسازی مناسب برای ایجاد یک دانشکده فرهنگ‌ساز باشد.

گنجاندن فرهنگ در برنامه درسی بنا به دلایل ذکر شده بسیار دشوار و درگیر نظام سلسله‌مراتبی است؛ زیرا سرفصل دروس در شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین، سپس به رؤسای دانشگاهها ابلاغ می‌شود و رئیس دانشگاه، آن را برای رئیس دانشکده معماری ارسال می‌کند. رئیس دانشکده نیز آن را برای مدیر گروه معماری ارسال می‌دارد و مدیر گروه آن را به اعضای شورای گروه ابلاغ می‌کند و در جلسه‌ای این شورا، برنامه درسی و نحوه پرداختن به آن را مشخص می‌کنند تا روند تولید و پرداختن به محتوای آموزشی به صورت یکدست و در چارچوب مشخصی انجام شود.

۵۲۶ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...

آموزش فرهنگ در یک دانشکده فرهنگ‌ساز با رشد روحی، فکری، مهارتی، ارتباطی، دانشی و بینشی دانشجویان همراه و نتیجه آن خودباوری، افزایش بازدهی و بهره‌وری، بهبود عملکرد در حل مسئله، احساس رضایتمندی در طول دوره تحصیلی، آمادگی برای تعامل در جامعه و بهبود شرایط درآموزشی دانشجویان خواهد بود.

هدف اصلی آموزش دروس پایه، رشد ذهنی دانشجویان معماری در درک معنا و مفهوم فضا در مرحله اول و سپس نحوه تعریف و شکل‌دهی به آن است که قاعده‌تاً با پیشینه فرهنگی دانشجویان در ارتباط است. بنابر این، محتوای آموزشی و نحوه ارتباط دروس با یکدیگر نیز باید به گونه‌ای تعریف شود که فرهنگ روز کشور مد نظر گیرد و ویژگی‌های مثبت فرهنگ گذشته بازخوانی و در متون آموزشی گنجانده شود تا نحوه تفکر دانشجویان در ایده‌پردازی را سامان بخشد. بدین ترتیب، بین محتوای آموزشی با مفاهیم فرهنگی در تعریف فضا، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد که عدم توجه به این ارتباط، کیفیت آموزش معماری را تحت تأثیر قرار داده است و ادامه این روند می‌تواند موجب بروز مسائل جدی در امر آموزش معماری شود. در این راستا، برقراری رفتارهای اجتماعی از سوی جامعه دانشگاهی بسیار ضروری است. این رفتارها، در قالب روابط دانشجویان با دانشجویان، دانشجو با استاد و استاد با استاد قابل دسته‌بندی است که فرهنگ آموزش را شکل می‌دهد و با توجه به ارتباط عمیق با فرهنگ عام جامعه، سیاست‌های حاکم بر دانشگاه و دیگر عوامل مؤثر، مخصوص هر دانشکده است و با دانشکده‌های دیگر نیز متفاوت خواهد بود؛ بنابر این، دانشکده معماری می‌تواند فرهنگ آموزشی خاص خود را داشته باشد. نبود جو مناسب دانشگاهی مشکلات بسیاری را در پی خواهد داشت؛ زیرا روابط اجزا و میزان تأثیر آنها را نمی‌توان در نظریه مشخصی تعیین کرد. در نتیجه، اثر نامطلوبی بر اجرای برنامه‌های آموزشی خواهد گذاشت. وجود یک چارچوب عملی با تأکید بر روحیه کار گروهی، برجسته‌سازی ارزشهای فرهنگی و کنار گذاشتن ضد ارزشها و ناهنجاری‌های موجود در سیستم آموزشی، برای ایجاد جو مناسب در محیط آموزشی، ضروری است. طراحی تمرینهای مرتبط با فرهنگ، دانشجویان را به سوی حساس شدن به حفاظت از ارزشهای فرهنگی تشویق خواهد کرد. در این راستا، استفاده از تجربیات دانشگاه‌های برتر دنیا می‌تواند مفید باشد؛ زیرا نه تنها به ارزشهای فرهنگی و خرده‌فرهنگها توجه می‌شود، بلکه در آتلیه معماری نیز فرهنگ خاصی (در رفتارهای درون‌گروهی، جو کارگاهی و تعاملات اجتماعی) وجود دارد. اگر دانشکده معماری فرهنگ خاصی داشته باشد که در آن میزان همکاری و تعامل میان دانشجویان افزایش یابد، علاوه بر تبادل افکار، جدیدترین دستاوردهای علمی و معماری نیز میان آنان مبادله خواهد شد و به ارتقای سطح کیفی آموزش خواهد انجامید؛ زیرا دانشجویان برای یادگیری متکی بر استاد نخواهند بود و منابع دیگری نیز در اختیار خواهند داشت. از سوی دیگر، توجه به فرهنگ در محتوای آموزشی و طرح مسئله، دانشجویان را وادار می‌سازد برای پاسخگویی به نیازهای فرهنگی در متن جامعه حضور یابد و پاسخ متناسب به نیازها و فرهنگ روز را بیابد. بنابر این، با تقویت فرهنگ، چه از نظر محتوای آموزشی و چه از نظر بسترسازی یادگیری در محیط آموزشی، در ابتدایی‌ترین مراحل آموزشی (دروس پایه معماری)، می‌توان کیفیت آموزش معماری را ارتقا داد. بدین ترتیب، مدل آموزش فرهنگ در دروس پایه (محتوا و مهارت، جهان‌بینی و خودباوری) در بستر فرهنگ‌ساز دانشکده معماری با در نظر

بهاره مختاری و همکاران ♦ ۵۲۷

گرفتن تمامی عوامل مؤثر بر سیستم آموزش معماری، با توجه به عوامل مؤثر بر متغیرهای زمینه‌ساز و همچنین عوامل بازدارنده با در نظر گرفتن نتایجی که در پی خواهد داشت، به صورت شکل ۱۰ ارائه می‌شود.

در این مدل، نکات ذیل تحقق یافته است:

- مدل آموزشی بر مبنای محتوای فرهنگی تنظیم و بر اجرای صحیح آن به صورت دوره‌ای نظارت می‌شود.

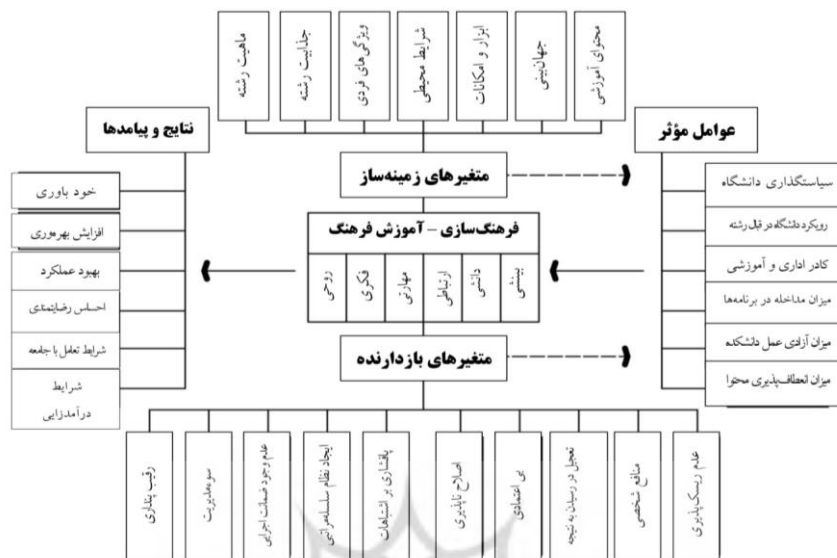
- فرهنگ آموزش برای پیگیری اهداف فرهنگی دانشکده تعریف می‌شود که از الزامات آن، وجود همکاری و تعامل میان دانشجویان و اساتید در سطوح درون‌دانشکده‌ای و برون‌دانشگاهی است.

- از آنجا که اهمیت دادن به فرهنگ در دروس پایه به افزایش سطح کیفی معماری منتهی می‌شود، یک کارگروه تخصصی به صورت دوره‌ای بر تدوین محتوای آموزشی این دروس نظارت و ارزیابی خواهند داشت.

از آنجا که مدل دانشگاه فرهنگ‌ساز بر آموزش صحیح فرهنگ تأکید دارد، اهداف و پیامدهای این مدل به عنوان هدف نهایی منظور شده و به دلیل توسعه آموزش کاربردی و فرهنگ‌مداری، نقش خود را در آموزش صحیح و ترویج فرهنگ بومی ایفا خواهد کرد. گفتنی است متغیرهای بازدارنده شناسایی شده در این مدل، در صورتی که مهار نشوند، بر میزان موفقیت این مدل تأثیر مطلوب خواهند داشت؛ بنابراین، لازم است اعضای هیئت علمی، مدیران و دست‌اندرکاران سیستم آموزشی از این موارد اجتناب کنند.

آنچه نویسندگان علاوه بر تبیین شاخصه‌های فرهنگ، به گستره پژوهشهای پیشین افزوده‌اند، این است که معماری حاصل از آموزش آکادمیک، از سیر تکمیلی معماری ایران فاصله گرفت و با ترکیب با آموزش غربی، زبان جدیدی تعریف کرد که به سرعت در جامعه ایران جای خود را محکم ساخت، توسعه یافت و هر روز بیان جدید و خلاقانه‌ای یافت. هنگامی که از فرهنگ به عنوان گستره‌ای از خصوصیات و رفتارهای اجتماعی بحث می‌شود، معمار باید دقت کند اول برای تجسم بخشیدن به آن، به سلیقه عموم احترام بگذارد؛ اما از فرمهایی بهره گیرد که اصالت و ریشه ایرانی داشته باشند؛ دوم آنکه بتواند پاسخگوی نیاز مردم باشد. به عبارتی؛ در قالب هنر معماری، هنر خویش را تجسم بخشد و روح فرهنگ را در آن بدمد. برای رسیدن به چنین جایگاهی، ابتدا باید در سیستمی آموزش ببیند که دارای روح فرهنگ باشد و این امر تنها با دارا بودن فرهنگ آموزش و آموزش فرهنگ در نظام آموزش معماری میسر خواهد بود.

۵۲۸ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...



بدین منظور نظام آموزش معماری نیازمند تغییراتی بنیادین خواهد بود. آنچه در این پژوهش با عنوان فرهنگ آموزش عنوان شد، به تمامی رئوس شکل‌دهنده نظام آموزش معماری شامل یاددهنده، یادگیرنده، محتوای آموزشی و مکان آموزش اشاره دارد. فرهنگ آموزش در میان اساتید جوان بدین صورت باید نهادینه شود که اساتید جوان از همان بدو ورود به حیطه آموزشی در بستر کار گروهی تحت نظر یکی از اساتید با تجربه و با سابقه قرار گیرند و زیر نظر ایشان با نحوه تدریس، پاسخهای صحیح معمارانه مبتنی بر فرهنگ و سایر لطافت‌های آموزش معماری از قبیل ایجاد انگیزه و برانگیختن ابتکار و قدرت ایده‌پردازی دانشجویان، آشنا شوند. در میان دانشجویان باید به نحوی نهادینه شود که جو معمارانه حاکم شود و دانشجویان را با خود همراه سازد؛ به طوری که آنان را از فضای مقطع پیشین جدا ساخته و از آنان پژوهشگرانی خلاق و متفکرانی جستجوگر بسازد. در محتوای آموزش باید به‌روزآوری و مفید بودن بنا نهاد و اختلاف سلیقه‌های ریشه‌دار را کنار نهاد، به سیستم آموزش در امر هدایتگری و آزادی انتخاب در خط مشی و نحوه بروز اهداف کمک کند. در فضاهای آموزشی به گونه‌ای خود را نمایان سازد که علاوه بر ظاهر متناسب با آموزش معماری، فضاهای مناسب برای امکانات به روز و ارائه‌های گروهی و متناسب با رشته معماری فراهم آورد.

بدین ترتیب، می‌توان به یک سیستم آموزشی پویا دست یافت که علاوه بر انعطاف‌پذیری در اعمال روشهای تدریس یا روشهای یادگیری، قابلیت روزآمد بودن و انطباق با شرایط اجتماعی و فرهنگی روز را

بهاره مختاری و همکاران ♦ ۵۲۹

نیز خواهد داشت. جدول ۹ به صورت خلاصه، محدودیتها و مزایای نهادینه‌سازی فرهنگ آموزش در دانشکده‌های معماری را بیان می‌کند. در اینجا هدف، پررنگ ساختن نقش دانشگاه در فرهنگ‌سازی است.

جدول ۹: محدودیتها و مزایای نهادینه‌سازی فرهنگ آموزش و طرح آموزش فرهنگ در معماری

| مزایا | محدودیتها |
|--|---|
| آشنایی اساتید جوان با تدریس در رشته معماری | عدم همکاری برخی اساتید با روشهای کار گروهی |
| یکدستی موضوع و محتوای آموزشی و در نتیجه یکدستی سطح آموزش دانشجویان | نیاز به اعمال طرح به صورت جامع در تمامی دانشکده‌های معماری برای هماهنگی و روزآمدی |
| آشنایی دانشجویان با کار و خط فکری اساتید و دانشجویان مختلف | نیاز به تعامل دانشکده‌های معماری و عدم تمایل برخی دانشکده‌ها به همکاری |
| ایجاد بستری برای رقابتهای سالم | نیاز به اعمال تغییر در فضاهای آموزشی برخی دانشکده‌ها |
| قابلیت انطباق با شرایط روز | امکان بروز تشتت آرا در زمان به روزرسانی |
| ایجاد فضای مناسب برای دانشجویان به منظور یادگیری با نحوه دانشجو بودن و جدا شدن از روحیه دانش‌آموزی | |
| مناسب‌سازی فضاهای آموزش معماری متناسب با این رشته | |
| متعادل ساختن نظریات مختلف موجود در زمینه آموزش معماری و انتخاب بهترین روش | |

گفتنی است که محتوای آموزشی و نحوه ارتباط دروس با یکدیگر نیز باید به گونه‌ای تغییر کند که فرهنگ روز کشور مد نظر باشد و ویژگی‌های مثبت فرهنگ گذشته، در متون آموزشی و نحوه تفکر دانشجویان در ایده‌پردازی، بازخوانی شود.

۵۳۰ ♦ بررسی تحلیلی ارتباط فرهنگ با دروس پایه در راستای ارتقای کیفی...

منابع

- آبرام، سیمون (۱۳۹۲). **فرهنگ و برنامه‌ریزی**. ترجمه محمد خانی. تهران: تیسرا.
- آزاد، مصطفی؛ اسما خامه‌چیان و حمیدرضا فرشچی (۱۳۹۶). «**معماری و ابعاد آموزش آن بر پایه متون حکمی (با تأکید بر حفظ هویت ایران اسلامی)**». *آرمان‌شهر*، ش ۱۹: ۱۰-۱.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۹۵). **ایران و تنهائیش**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- انصاری، حمیدرضا (۱۳۹۵). **معماری معاصر ایران**. تهران: سبزان.
- سرابی، امیر و صلاح‌الدین مولانایی (۱۳۹۶). «**مطالعه تطبیقی معماری و سینما با رویکرد آموزش معماری به کمک فیلم**». *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، ش ۱۴: ۱۷۲-۱۵۷.
- شهاست، هادی؛ حمید ندیمی، مینو قره‌بگلو و انسی کرامتی (۱۳۹۶). «**شناسایی و تبیین برنامه درسی پنهان در رشته معماری (مطالعه موردی: دانشکده معماری دانشگاه ایلام)**». *مطالعات برنامه درسی ایران*، ش ۱۲(۴۵): ۹۴-۶۵.
- غریب‌پور، افرا و مارال توتونچی مقدم (۱۳۹۵). «**ارزیابی برنامه‌های آموزش معماری دوره کارشناسی در ایران از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگی**». *مطالعات معماری ایران*، ش ۱۰: ۱۶۰-۱۴۱.
- فلیک، اووه (۱۳۹۷). **درآمدی بر تحقیق کیفی**. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- فیضی، محسن؛ لایلا علیپور و اصغر محمدمرادی (۱۳۹۶). «**برداشت ساختاری از مصادیق معماری**». *نامه معماری و شهرسازی*، ش ۱۹: ۲۲-۵.
- معارف‌وند، زهرا؛ غلامرضا شمس و زهرا صباغیان (۱۳۹۷). «**ارزیابی فرهنگ یادگیری دانشجویان رشته معماری دانشگاه شهید بهشتی (قوتها و ضعفها)**». *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ش ۸(۲۱): ۱۹۰-۱۵۹.
- مؤمنی، کورش و زهره مسعودی (۱۳۹۵). «**رابطه فرهنگ و معماری (با بررسی موزه هنرهای معاصر تهران)**». *جلوه هنر*، ش ۱۵: ۸۲-۶۷.
- موسوی، سید محسن؛ محمودرضا ثقفی، فرهنگ مظفر و صمد ایزدی (۱۳۹۶). «**استفاده از معماری بومی در طراحی تمرینهای دروس مقدمات طراحی**». *مرمت و معماری ایران*، ش ۷(۱۴): ۶۱-۷۳.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ فهیمه یاری، پرویز قامت و س. دهقانی (۱۳۹۲). «**تحول در آموزش معماری در تعامل دوسویه با تاریخ و فناوری**». *معماری و شهرسازی پایدار*، ش ۱(۲): ۵۵-۶۳.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۶). **معرفت جاودان، جلد ۲**. زیر نظر و به اهتمام حسن حسینی. تهران: مهر نیوشا.
- نقره‌کار، عبدالحمید و ساحل دژبند (۱۳۹۷). «**ارزیابی نظریه کلب در آموزش معماری از منظر اسلامی**». *معماری و شهرسازی ایران*، ش ۹(۱۵): ۱۷۵-۱۹۲.
- نمازیان، علی و فاطمه قارونی (۱۳۹۲). «**حلقه گمشده روان‌شناسی محیط در آموزش معماری**». *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، ش ۵: ۱۳۱-۱۲۱.

- ولی‌زاده اوغانی، محمدباقر و علی عزیز (۱۳۹۷). «آموزش معماری؛ دانش محور یا آزمون محور (با تأکید بر آموزش فنی و حرفه‌ای)». معماری سبز، ش ۴ (۱۳): ۴۱-۵۴.
- Ashkan, M. (2016). "The Phenomenological Evaluation of Teaching Professionalism in the Architecture Design Studio Culture: A Case at the University of Kansas". *International Journal of Architectural Research*, Issue 1, Vol. 10: 41-61.
 - Dizdar, S.I. (2015). "Architectural education, project design course and education process using examples". *Journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 176: 276-283.
 - Eagleton, T. (2016). **Culture**. New Heaven and London: Yale University Press.
 - Ghonim, M. & N. Eweda (2018). "Investigating elective courses in architectural education". *Journal of Frontiers of Architectural Research*, No. 7: 235-256.
 - Mahdavi Nejad, M.; R. Bahtooei, S.M. Hosseinikia, M. Bagheri, A. Aliniaye Motlagh & F. Farhat (2013). "Aesthetics and Architectural Education and Learning Process". *5th World Conference on Educational Sciences. Journal of Social and Behavioral Sciences*. 116. 4443-4448.
 - Pektas, S.T. (2012). **The blended design studio: An appraisal of new delivery modes in design education**. *Procedia, Social and Behavioral Science*, 51: 692-697.
 - Sadek, G. (1971). **Education of an architect: a point of view**. publisher not identified.
 - Saridar Masri, S. (2017). "Improving Architectural Pedagogy Toward Better Architectural Pedagogy Toward Better Architectural Design Values". *Journal of Architecture*, 3(2).
 - Scruton, R. (2012). **Modern Culture**. 2nd. Pub. London: Bloomsbury Publishing Plc.
 - Vitruvius (1960). **The Ten Books on Architecture**. Trans.: M. Hicky Morgan. New York: Dover publications.
 - Yasar, Y. & S. Macka Kalfa (2014). "The effects of social, cultural and education dynamics on the education-training environment in architectural education; the case study of the department of architecture, KTU". *Journal of Social and Behavioral Sciences*, No. 182: 408-413.
 - Abram, S. (2013). **Culture and Planning**. Translated by M. Khani. Ashgate Publishing Company; Burlington: USA.2011.
 - Ansari, H. (2016). **Temporary Architecture of Iran**. Tehran: Sabzan.
 - Azad, M.; A. Khamechian, H. Farshchi (2017). "Architecture and its Training Aspects Based on Wisdom Manuscripts (With Emphasis on Iranian- Islamic Identity)". *Journal of Armanshahr*, 19: 1-10.
 - Feyzi, M.; L. Alipour & A. Mohammad Moradi (2017). "Structural Mapping of Architectural Exemplars". *Journal of Name Memari Shahrsazi- Art University*, 19: 5-22.

- Gharibpour, A. & M. Toutouchi Moghadam (2016). "Cultural Criteria in the Evaluation of Undergraduate Educational Programs of Architecture in Iran". *Journal of Iranian Architecture Studies*, 10: 141-160.
- Islami Nodoushan, M.A. (2016). **Iran and its Solitude**. Tehran: Sahami Enteshar co.
- Maarefvand, A.; Gh. Shams & Z. Sabaghyan (2018). "A Study of Architecture Students Learning Culture (strengths and weaknesses)". *Journal of Measuring and Educational Evaluation Studies*, 8(21): 159-190.
- Momeni, K. & Z. Masoudi (2016). "The Relationship between Culture and Architecture (Case Study: Tehran Museum of Contemporary Art)". *Journal of Jelve-y Honar*, 41: 67-82.
- Mousavi, S.M.; M. Saghafi, F. Mozaffar & S. Isadi (2017). "Using Vernacular Architecture in Design Basic". *Journal of Maremat and memari-e Iran*, 7(14): 61-74.
- Namazian, A. & F. Gharooni (2013). "The Lost Chain of Environmental Psychology". *Journal of Architecture and Urban of Iran*, 5: 121-131.
- Nasr, S.H. (2007). **Eternal Cognition, Vol. 2**. H. Hosseini (Ed). Tehran: Mehr e Newsha.
- Noghrekar, A. & S. Dezhpasand (2018). "The Assessment of Kolb's Learning Theory in Architectural Education from Islamic View". *Journal of Iranian Architecture and Urbanism*, 9 (15): 175-192.
- Sarabi, A. & S. Molanaei (2017). "A Comparative Study of Architecture and Cinema with the Attitude toward Architecture Education by means of Movie". *Journal of Architecture and Urban Designing of Iran*, 14: 157-172.
- Shahamat, H.; H. Nadimi, M. Gharebaglou & E. Keramati (2017). "The Identification and Explanation of Hidden Curriculum in Architecture Education (A Case Study: Faculty of Architecture, Ilam University)". *Journal of Curriculum Studies*, 12(45): 65-94.
- Valizade Oghani, M. & A. Azizi (2018). "Architecture Education; Knowledge Centerd or Exam-Centered?". *Journal of Green Architecture*, 13: 41-54.

